

## معیارهای تشخیص حق از باطل

سیدعلی هاشمی نشلجی\*

### اشاره

انسان به طور طبیعی و فطری، حق طلب است و گرایش به حق دارد؛ زیرا کمال‌گرایی و نقص‌گریزی در انسان، فطری و طبیعی است و از آن‌جا که سعادت و کمال، تنها در حق یافت می‌شود و باطل چیزی جز نقص نیست، او به حق گرایش داشته، از باطل‌گریزان است. از این رو، انسان با توجه به ماهیت و ساختار فطری‌اش باید جوای حق و پیرو حقیقت باشد، راه درست را برگزیند و همیشه با حقیقت همراه و همدم باشد. بنابراین، برای زندگی سعادت‌مندانه نیازمند تشخیص درست و نادرست، صلاح و فساد و به طور کلی حق و باطل است و برای رسیدن به این تشخیص، به معیارهایی نیاز دارد تا بتواند با استفاده از آن‌ها و سنجدن افکار و عقاید و عملکرد خود، نسبت به آن معیارها، راه حق را برگزیند و به سعادت و رستگاری نایل شود.

---

\* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

## مفهوم‌شناسی حق و باطل

### الف) مفهوم حق

برای «حق» معانی گوناگونی ذکر شده است. در مفردات راغب اصفهانی آمده: «اصل حق به معنای مطابقت و موافقت است».<sup>۱</sup> همچنین گفته شده: «حق» به معنای ضد «باطل»، صدق، وجود ثابت و... است.<sup>۲</sup> بنابراین، حق، نقیض باطل و به معنای وجوب و ثبوت<sup>۳</sup> و در اصل به معنای مطابقت و موافقت است. البته بیشتر اوقات، مراد از «حق» همان مطابقت و موافقت با امری است که بر اساس حکمت الهی ایجاد شده است.

### ب) مفهوم باطل

معمولاً از معنای حق، ضد آن یعنی باطل نیز فهمیده می‌شود؛ صاحب مفردات می‌گوید: «باطل چیزی است که در مقام فحص، ثبات ندارد و در فعل و قول هر دو به کار می‌رود».<sup>۴</sup> همچنین گفته شده است: «باطل مقابل حق است و آن را فاسد و بی‌اثر و ضایع می‌سازد».<sup>۵</sup> صاحب قاموس قرآن می‌گوید: «باطل آن است که در قضاوت عمومی پذیرفته نمی‌شود و بشر در عین ابتلا به باطل، به ضرر و ناحق بودن آن حکم می‌کند».<sup>۶</sup> بنابراین، امور ثابت و پایدار، حق و آنچه متغیر و ناپایدار است، باطل خواهد بود؛ چنان‌که در قرآن کریم واژه «حقّ» و

۱. حسین راغب اصفهانی، المفردات فی غریب الفاظ القرآن، ص ۱۲۹، واژه «حق».

۲. محمدبن محمد مرتضی زبیدی، تاج العروس، ج ۱، ص ۴۳۲.

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۵۵-۲۵۶.

۴. حسین راغب اصفهانی، المفردات فی غریب الفاظ القرآن، ص ۶۸.

۵. سعید الخوزی الشرتونی، اقرب الموارد، ج ۱، ص ۸۸.

۶. سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۲۳۰.

مشتقات آن، به معنای ثابت و حتمی به کار رفته است.<sup>۱</sup> «و لکن [ما بر کفر و عناد خود اصرار کردیم تا] وعده عذاب [الهی] بر کافران ثابت گردید».<sup>۲</sup> همچنین در قرآن کریم، واژه حق در برابر واژه باطل<sup>۳</sup> و ضلال<sup>۴</sup> به کار رفته است؛ و حق، به آب و باطل، به کف روی آب تشبیه شده است<sup>۵</sup>؛ زیرا باطل آن چیزی است که ثبوت و واقعیتی ندارد و ضلال، انحراف و خروج از برنامه حق و راه صحیح است.<sup>۶</sup>

فخر رازی درباره حق می گوید:

واژه «حق»، اگر بر ذات چیزی اطلاق شود، بدین معناست که آن ذات به خودی خود، موجودی حقیقی است. مصداق حقیقی آن، خداوند است؛ چراکه زوال و عدم در وی راه ندارد. اگر واژه «حق» بر امور اعتقادی اطلاق شود، مراد آن است که آن اعتقاد، درست و مطابق با واقع است و اگر واژه «حق» بر قول و خبر اطلاق شود، منظور آن است که آن خبر، صادق و مطابق با واقع است.<sup>۷</sup>

## ضرورت تشخیص حق از باطل

همه انسان‌ها طالب سعادتند و سعادت در گروه حق‌محوری است. بنابراین، باید حق را از باطل بازشناخت وگرنه باطل به صورت حق‌نما جلوه می‌کند؛ زیرا

۱. قصص، آیه ۶۳؛ زمر، آیه ۷۱.

۲. زمر، آیه ۷۱.

۳. بقره، آیه ۴۲؛ انفال، آیه ۸؛ اسراء، آیه ۸۱؛ حج، آیه ۶۲ و ...

۴. یونس، آیه ۳۲.

۵. رعد، آیه ۱۷.

۶. حسن مصطفوی، التحقيق، ج ۱، ص ۳۵۸.

۷. فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۱۱۹-۱۲۰.

جهان آمیزه‌ای از حق و باطل است و باطل با فریب و نیرنگ، همواره خود را حق مطلق نشان می‌دهد. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

اگر باطل با حق مخلوط نمی‌شد، بر طالبان حق پوشیده نمی‌ماند، و اگر حق از باطل جدا و خالص می‌گشت، زبان دشمنان قطع می‌گردید. اما قسمتی از حق و قسمتی از باطل را می‌گیرند و به هم می‌آمیزند، آن‌جاست که شیطان بر دوستان خود چیره می‌گردد و تنها آنان که مشمول لطف و رحمت پروردگارند، نجات خواهند یافت.<sup>۱</sup>

آن‌جا که امتزاج حق و باطل با زیرکی صورت گیرد، جذابیت کاذب و عاریتی باطل، قادر خواهد بود گروهی را به گرد خویش جمع کند؛ چنان‌که امام سجاد علیه السلام فرمودند:

سی هزار نفر در کربلا بر ضد سیدالشهداء گرد آمدند که همه خود را از این امت می‌پنداشتند و همه با ریختن خون او به خدا تقرب می‌جستند. آن حضرت آنان را به یاد خدا می‌انداخت، اما آنان پند نمی‌گرفتند تا آن‌که او را از روی ستم و تجاوز و دشمنی به شهادت رساندند.<sup>۲</sup>

چون می‌گفتند یزید خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله است و حسین بن علی علیه السلام بر او خروج کرده، باید با او جنگید. باطل، حق را با شمشیر خود حق می‌زدند؛ پس باطل نیروی حق را به خدمت گرفته است. این همان نیروی حق است که او از آن استفاده می‌کند.<sup>۳</sup>

۱. نهج البلاغه، خطبه ۵۰.

۲. ابن‌شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۸۶.

۳. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۴۰۹.

آری، اگر امتزاج حق و باطل با زیرکی صورت گیرد، زمینه‌ای فراهم می‌شود که عمر سعد در عصر تاسوعا وقتی می‌خواست شعار بدهد و مردم را تحریک کند، نمی‌گفت: «یا حَيْلَ اللَّهِ اِزْكَبَى وَ بِالْجَنَّةِ اَبْشَرَى؛ ای لشکر خدا! سوار شوید و بهشت بر شما بشارت باد!». وقتی باطل مقدس شود، راه بر این گونه حوادث باز می‌شود. يك عده‌ای منافق، توانستند با عوام‌فریبی و امتزاج حق و باطل، از توده‌ای مسلمان ولی جاهل و احمق، لشکری انبوه علیه فرزند پیامبر ﷺ گرد آورند.<sup>۱</sup>

همواره تحت پوشش حق و حقیقت است که باطل خودنمایی می‌کند. از این رو، خداوند از مخلوط کردن حق با باطل، نهی فرموده<sup>۲</sup> و اهل کتاب را به دلیل مخلوط کردن حق با باطل، نکوهش کرده است.<sup>۳</sup> به سبب مخلوط شدن حق با باطل است که مردم در شناخت حق و باطل، سرگردان می‌شوند: «آنان کسانی‌اند که تلاششان در زندگی دنیا به بیراهه می‌رود و خود می‌پندارند که کار نیک انجام می‌دهند».<sup>۴</sup> در باره همین گروه گفته شده است:

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی

کاین ره که تو می‌روی به ترکستان است<sup>۵</sup>

نخستین پرسش برای انسانی حق جو، چگونگی تشخیص حق از باطل است. شناخت هر چیز به قالب و شاقول نیاز دارد و حق نیز از این قاعده مستثنا نیست. پس شناخت حق، معیار می‌طلبد.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۸.

۲. بقره، آیه ۴۲.

۳. آل عمران، آیه ۷۱.

۴. کهف، آیه ۱۰۴.

۵. سعدی، گلستان، ص ۱۳۸.

## معیارهای شناخت حق و باطل

### ۱. عقل

نخستین معیار برای بازشناسی حق از باطل، عقل است. خداوند انسان را موجودی متفکر آفریده و برای شناخت حق و حقیقت، عقل را به وی عطا کرده است و در سراسر قرآن همه انسان‌ها را به تفکر، تعقل و تدبیر فراخوانده است. عقل در دین اسلام از جایگاه بسیار بلندی برخوردار است تا جایی که اساساً اسلام را «دین عقل و فطرت» می‌گویند. گواه روشن بر عقل‌گرایی آیین اسلام، وجود صدها آیه از قرآن کریم و صدها روایت از حضرات معصومین علیهم‌السلام درباره عقل و نقش‌ها و کاربردهای گوناگون آن در اصول و فروع دین اسلام است؛ زیرا گذشته از این که روح آیات قرآن را استدلال‌ها و براهین عقلی تشکیل می‌دهد، ماده علم، عقل، فکر و مانند آن، نزدیک به هزار بار به صورت‌های مختلف در قرآن کریم آمده و بر آن تصریح شده است.<sup>۱</sup> «اصل در معنای عقل، بستن و نگه داشتن است و این مناسب است با ادراکی که انسان دل به آن می‌بندد و چیزی که با آن ادراک می‌کند، عقل نامیده می‌شود و یکی از قوای انسانی است و به واسطه آن خیر و شر و حق و باطل از یکدیگر تشخیص داده می‌شود».<sup>۲</sup>

عقل در اصطلاح، به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می‌شود. عقل نظری، راهنمای اندیشه بشر است و عقل عملی راهبر انگیزه او. عقل نظری نیرویی است که با آن، هست و نیست‌ها و باید و نبایدها درک می‌شوند و عقل عملی نیرویی است که بر اساس آن عمل می‌شود. امام صادق علیه‌السلام در تبیین عقل فرمودند: «مَا عَيْدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اُكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ»<sup>۳</sup>؛ عقل آن است که خدای

۱. جعفر سبحانی، مدخل مسائل جدید در علم کلام، ص ۱۵-۱۷.

۲. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۲، ص ۲۴۷.

۳. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۱.

رحمان به آن، عبادت و بهشت جاویدان با آن، کسب می‌شود».

در روایات آمده، خداوند دو حجت بر بندگانش ارزانی داشته است که ملاک تشخیص حق از باطلند؛ چنان‌که امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَ حُجَّةَ بَاطِنَةٍ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَيْمَةُ عليهم السلام وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ؛ به درستی که خداوند دو حجت بر بندگانش دارد، یکی حجت ظاهری و دیگری حجت باطنی؛ اما حجت ظاهری همان رسولان و انبیا و ائمه عليهم السلام هستند و اما حجت باطنی، همان عقل است». رسولان و انبیا و ائمه عليهم السلام به عنوان حجت ظاهری برای شکوفایی عقل انسانی مبعوث شده‌اند و در طول تاریخ، قدرت‌هایی بوده‌اند که مانع رشد عقلی مردم می‌شدند، آن‌ها پی‌درپی می‌آمدند تا این موانع را برطرف کنند. شجره خبیثه بنی‌امیه نیز با اقدامات ظالمانه خود همین کار را کردند و امام حسین علیه السلام با قیامش به مردم توجه داد که بنی‌امیه به حق عمل نمی‌کنند و کسی که به حق عمل نمی‌کند، به کمال عقل نمی‌رسد.

آن حضرت در کلامی گهربار فرمود: «لَا يَكْمُلُ الْعَقْلُ إِلَّا بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ؛ عقل جز با پیروی از حق کامل نمی‌شود». بنابراین، انسان‌ها باید به مدد حق که از سوی پروردگار است، به تکمیل عقل و خردورزی بپردازند.

آری، کربلا صحنه تقابل حق‌مداران عقل‌گرا بود. حرّ بن یزید ریاحی در روز عاشورا میان دو بی‌نهایت خیر و شر قرار گرفت و در پرتو تدبیر و عقل سلیم، رحمانیت و نور را برگزید و سعید و شهید شد و از حوزه ولایت شیطانی به حوزه ولایت رحمانی راه یافت. از طرف دیگر، چگونه عمر بن سعد میان دو

۱. همان، ص ۱۶.

۲. حسن بن محمد دیلمی، اعلام الدین، ص ۲۹۸؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۷.

بی‌نهایت، بی‌نهایت شر، ظلمت و شیطنت را برگزید و شقی و ملعون شد. در قیام کربلا بودند کسانی که عقل، درایت، عشق و ولایت را به هم سرشتند؛ مانند اصحاب «یقظه» (بیداری، بینایی و پایداری)؛ کسانی همچون «زهیر بن قین»، که «قیام‌لله» کردند و ولایی شدند.

## ۲. قرآن کریم

یکی از بهترین معیارهای شناخت حق از باطل، «قرآن» است. هنگامی که شخصی اسلام را پذیرفت، به حقانیت قرآن معتقد خواهد بود، و باور خواهد داشت که هر چه قرآن کریم فرموده، حق و مطابق واقع است و باطل به قرآن کریم راه ندارد؛ چنان‌که خود قرآن به این نکته تصریح کرده است: «از جلورو و پشت سرش باطل به آن راه نمی‌یابد (در احکام و معارف و خبرهایش نسبت به گذشته و آینده، بطلانی رخ نمی‌دهد)، که فرو فرستاده‌ای است از سوی [خدای] با حکمت و ستوده». <sup>۱</sup> قرآن کریم سراسر حق است و معیار برطرف کردن اختلاف‌های میان مردم: «همانا ما این کتاب را بر توبه حق [هدفی والا و عقلائی] فرو فرستادیم تا در میان مردم به آنچه خدا به تو نمایانده است، داوری کنی و مدافع خائنان مباش». بر این اساس، هر آنچه مخالف قرآن کریم باشد، باطل خواهد بود. <sup>۲</sup> امام حسین علیه السلام هنگامی که مسلم را به نمایندگی خود، به کوفه می‌فرستد، در نامه‌ای که در پاسخ به حدود دوازده هزار نامه مردم کوفه می‌نویسد، معیارهای امام و حاکم حق را بیان می‌کند که یکی از آن معیارها عمل به قرآن است: «فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْعَامِلُ بِالْكِتَابِ»؛ به جان خودم سوگند که

۱. فصلت، آیه ۴۲.

۲. نساء، آیه ۱۰۵.

۳. ابن‌نما حلی، مثیر الاحزان، ص ۱۶؛ محمدصادق نجمی، سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا، ص ۷۳.

پیشوای راستین و امام به حق، کسی است که به کتاب خدا عمل کند». بنابراین، برای حق و باطل بودن عمل یک شخص، باید اعمال او را با آموزه‌های قرآن سنجید؛ اگر مطابق آموزه‌های قرآن بود، حق است، وگرنه باطل خواهد بود.

این معیار، نه تنها در افکار و عقاید و مسائل جامعه کارایی دارد، بلکه در شناخت احادیث صحیح از غیر صحیح و احادیثی که تعارض دارند نیز معیار است.<sup>۱</sup> در جامعه اسلامی هر اندیشه و روش عملی - در همه زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی - که با قرآن کریم مخالف باشد، باطل خواهد بود.

### ۳. معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

سومین معیار بازشناسی حق از باطل، معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هستند؛ زیرا معصوم، گفتار و رفتارشان مطابق با واقع و حق است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «به خدا سوگند، ما از روی هوای نفس سخن نمی‌گوییم و به آرای شخصی خود عمل نمی‌کنیم و سخنی را نمی‌گوییم جز آن‌که خدای عزوجل آن را گفته است».<sup>۲</sup>

همچنین در تفسیر آیه **﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾**، فرمود: «به خدا سوگند، ما صراط مستقیم هستیم».<sup>۳</sup>

بر همین اساس، پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «عَلَيَّْ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ»؛ علی عَلَيْهِ السَّلَامُ معیار تشخیص حق از باطل است». همچنین خطاب به امیرالمؤمنین فرمودند: «الميزان ميزانك؛ ميزان تو ميزان است»<sup>۴</sup>؛ یعنی عقاید،

۱. ر.ک: شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۱۳.

۲. شیخ مفید، امالی، ص ۶۰.

۳. عبدعلی عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۶.

۴. شیخ صدوق، الامالی، ص ۸۹؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۲۸.

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۷۲.

اخلاق، افعال و اقوال مردم را با عقیده، خلق، فعل و قول امام علی علیه السلام و اولاد گران قدر او می‌سنجند. هر عقیده، خلق، فعل و قولی که مطابق عقیده و خلق و افعال و اقوال آنان بود، حق است؛ وگرنه، باطل. از این رو، امام حسین علیه السلام فرمودند: «من میزان طیب و خبیثم». اگر جامعه‌ای بخواهد پاک را از ناپاک جدا کند، حتماً باید با سنت و سیرت حضرت سیدالشهدا علیه السلام ارزیابی شود و مهم‌ترین اثر آن حضرت علیه السلام همانا نهضت گسترده و تاریخ‌ساز کربلاست که مجالای عقیده صحیح، مظهر خلق کامل و تبلور فعل درست و قول راست است.<sup>۱</sup> امام حسین علیه السلام فرمود: «ما کسانی هستیم که علم قرآن و بیان آنچه در آن است، نزد ماست؛ و آنچه نزد ماست، نزد هیچ‌یک از آفریدگان خدا نیست؛ زیرا ما محرم راز خداییم».<sup>۲</sup> پس همان‌گونه که قرآن، معیار تشخیص حق از باطل است، پیامبر صلی الله علیه و آله و عترت ایشان علیهم السلام معیار تشخیص حق از باطل هستند.

#### ۴. شناخت حق در مقایسه با باطل

یکی از راه‌های شناخت هر چیزی آگاهی و اطلاع از ویژگی‌های ضد آن چیز است. جمله حکیمانه «تعرف الأشياء بأضدادها» (چیزها به ضد آن شناخته می‌شوند) به این نکته اشاره دارد. پس با شناخت ویژگی‌های هر یک از حق و باطل، می‌توان دیگری را شناخت. از این رو، قرآن کریم در کنار تبیین ویژگی‌های حق، ویژگی‌های باطل را نیز گوشزد می‌کند و آن‌گاه که آثار و فواید حق را باز می‌گوید، زیان و خسروانی که باطل با خود به همراه دارد، یادآور می‌شود: «[اوست که] از آسمان آبی [به صورت باران و برف و تگرگ] فرو فرستاد؛ پس رودخانه‌هایی [هر یک] به اندازه گنجایش خود روان شدند و سیل

۱. عبدالله جوادی آملی، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص ۱۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۴.

کفی را بر روی خود برداشت و نیز از آنچه [در کوره‌ها] جهت به دست آوردن زیور و زینت یا وسایل زندگی بر آن آتش می‌افروزند [مانند خاک مخلوط معادن]، کفی است همانند کف سیل. خداوند این چنین حق و باطل را مثل می‌زند [حقایق، آب و فلزاتند، و باطل‌ها کف‌های آن‌ها]؛ اما آن کف به کناری رفته، نابود می‌شود و اما آنچه مردم را سود می‌بخشد [نظیر آب‌ها و فلزات ذوب‌شده]، در زمین می‌ماند. خداوند مثال‌ها را این چنین می‌زند.<sup>۱</sup>

ولید بن عتبه، حاکم مدینه، پس از مرگ معاویه طبق نامه یزید، امام حسین علیه السلام را به بیعت با آن جرثومه فساد و تباهی فراخواند. آن حضرت از بیعت خوداری کرد و پس از سخنانی که میان آن حضرت و ولید و مروان صورت می‌گیرد، حضرت در تأکید بر حق بودن خویش و باطل بودن یزید، با بیان ویژگی‌های حق و باطل و مقایسه آن دو وارد می‌شود: «ای امیر! ما ایم خاندان نبوت و معدن رسالت؛ خاندان ما محل رفت و آمد فرشتگان است. خدا اسلام را از خاندان ما شروع کرد و تا آخر نیز همگام با خاندان ما پیش خواهد برد. یزید، مردی فاسق، شریخوار و کشنده افراد بی‌گناه است و آشکارا مرتکب فسق می‌شود».<sup>۲</sup>

بنابراین، انسان با بهره‌گیری از روش شناخت دو شیء متقابل از طریق بیان ویژگی‌های یکدیگر، می‌تواند به آسانی هر یک را بشناسد. در این جا به برخی ویژگی‌های حق - که در پرتو آن می‌توان حق را از باطل بازشناخت - اشاره می‌کنیم.

۱. رعد، آیه ۱۷.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۵؛ محمدصادق نجمی، سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا، ص ۳۳.

**الف) سودمندی**

از ویژگی‌هایی که قرآن کریم برای حق بیان کرده، سودمندی و اصلاح‌گری آن است؛ زیرا حق، امری صالح است و افزون بر صالح بودن و دوری از فساد و تباهی، موجب اصلاحات نیز می‌شود. این در حالی است که باطل بر فساد و تباهی استوار است و هر چیزی را نیز به افساد و تباهی می‌کشاند.

خداوند در سورهٔ عصر می‌فرماید: بسیاری از مردم گمان می‌کنند که سود می‌برند، در حالی که از سرمایهٔ وجودی خویش همواره زیان می‌دهند؛ زیرا فرصت عمر را با سرگرمی به پاسخ‌گویی به نیازهای جزئی از دست می‌دهند و سود اصلی را فراموش می‌کنند؛ بنابراین، سرگرم شدن به هواهای نفسانی و پاسخ‌گویی به آنچه سودمندی واقعی نیست، بلکه خسران و زیان واقعی است، به عنوان باطل قلمداد شده است.

**ب) مطابقت با فطرت**

فطرت آدمی به طور طبیعی به حق‌گرایش داشته، از باطل‌گریزان است؛ زیرا گرایش به کمال و نقص‌گریزی، طبیعی آدمی است و از آن‌جا که حق، امری کمالی است، بدان گرایش طبیعی دارد. البته انسان‌هایی که فطرت و طبیعت سالم و خدادادی خویش را از دست می‌دهند، به سبب این‌که دچار بیمارذلی و سنگ‌دلی می‌شوند و ماهیت خود را دست‌خوش تغییر جدی می‌سازند، از درک حق و باطل ناتوان شده، کمال و نقص را نمی‌شناسند و حتی به سوی باطل گرایش می‌یابند و آن را با تمام وجود می‌جویند. پس حق همواره با فطرت و طبیعت سالم بشر مطابق است؛ از این رو، کودکان که بر فطرت و طبیعت سالم الهی هستند، آن را می‌شناسند و می‌پذیرند.

### ج) ماندگاری

حق ماندگار است و باطل، زایل شدنی. آیه ۱۸ سوره انبیا به این ویژگی حق و باطل اشاره دارد: «بلکه ما به سبب حق بر سر باطل می‌کوبیم تا به مغز او می‌رسد؛ پس به ناگاه باطل نابود شده است». باطل گرچه جولانی دارد، دوام و بقایی ندارد و سرانجام این حق است که پیروز می‌شود. به حسب ظاهر، امام حسین علیه السلام و لشکر باوفایش در مصاف نابرابر با اهل باطل در روز عاشورا شکست خوردند، اما پیروز میدان، در واقع، حسین علیه السلام بود که نامش جاودانه شد و بر تارک تاریخ برای همیشه خواهد درخشید. از این رو، پس از حادثه کربلا وقتی به امام سجاد علیه السلام گفتند: چه کسی پیروز شد؟ فرمود: اگر می‌خواهی بدانی چه کسی پیروز شد، هنگام نماز، اذان و اقامه بگو؛ یعنی هدف از قیام حق طلبانه امام حسین علیه السلام حفظ اسلام بود که محقق شد و همه جا صدای توحید به گوش می‌رسد.

### ۵. مشاهده

پنجمین معیار تشخیص حق از باطل، دیدن با چشم است. در جامعه سخنان بسیاری درباره افراد گفته می‌شود، آیا انسان هرچه بشنود، باید باور کند و بگوید درست و حق است یا راهی برای باور کردن وجود دارد؟ امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

ای مردم! هر کس برادر خود را به استواری دین و درستی راه شناخت، هرگز به گفته‌های مردم درباره او گوش نسپارد. زنهار که گاه، تیرانداز تیر می‌افکند و تیرهایش به خطا می‌رود و سخنان

بسیاری که خلاف حقیقت است، گفتار باطل تباه است و خداوند شنوا و گواه؛ هان! میان حق و باطل جز چهار انگشت، فاصله نیست. از آن حضرت دربارهٔ معنای این سخن پرسیدند. امام انگشتان خود را به هم چسباند و آن‌ها را میان گوش و چشم خود گذاشت و آن‌گاه فرمود: باطل این است که بگویی: شنیدم؛ و حق آن است که بگویی: دیدم.<sup>۱</sup>

بسیاری از تهمت‌ها و شایعات باطل و دروغی که در جامعه رواج می‌یابد، از آن روست که افراد هرچه را می‌شنوند، نقل می‌کنند. اگر معیار نقل را صرف شنیدن قرار ندهند، بلکه دیدن را معیار قرار دهند، بسیاری از تهمت‌ها و شایعات از جامعه رخت برخواهد بست.

۱. نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۴۱.